



The Opportunities and Challenges of International Education and Cultural Diplomacy of Islamic Republic of Iran*



10.22034/CDRJ.2025.528204.1051

Mohammad Saleh Fayyaz

M.A. Graduate, Faculty of Islamic Studies, Culture and Communication, Imam Sadiq University, Tehran, Iran
Mofayyaz79@gmail.com



0009-0009-4625-9177

Mohammad Reza Borzooei

Associate, Communications and Media Group, Faculty of Islamic Studies, Culture and Communication, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Correspondence Author)

Borzooei@isu.ac.ir



0000-0002-0482-0685

ABSTRACT

International education, which has a significant history in many countries, is considered a prominent and influential element in cultural diplomacy. Like many countries, the Islamic Republic of Iran has also tried to utilize the capacities of this field. This area includes two sections: face-to-face training and virtual training. In this research, an attempt was made to examine the position of international education in cultural diplomacy in general and the position of this field in the cultural diplomacy of the Islamic Republic of Iran in particular, and to explain the opportunities and challenges of this matter within this framework. For this purpose, first, a review of concepts such as international education, public diplomacy, and cultural diplomacy was conducted, and then related laws and documents as well as some active institutions in this field were introduced. Finally, ten professors and experts were interviewed and the resulting texts were examined based on the thematic analysis method. Accordingly, in a general classification, the opportunities of international education include the facilitation of intercultural communication, economic and political capacities, capacities related to specific audiences, teaching and promoting the Persian language, virtual education capacities, and graduates' capacities. The challenges in this area also include structural-process challenges, human resource challenges, environmental challenges, and negative propaganda.



Received: 03/06/2025
Accepted: 28/09/2025

Keywords:

International Education, Cultural Diplomacy, Islamic Republic of Iran, Public Diplomacy.

آموزش بین‌المللی و دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران؛ فرصت‌ها و چالش‌ها*



10.22034/CDRJ.2025.528204.1051

محمد صالح فیاض

کارشناسی ارشد معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

Mofayyaz79@gmail.com

0009-0009-4625-9177

محمد رضا برزویی

دانشیار و عضو گروه ارتباطات و رسانه دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Borzooei@isu.ac.ir

0000-0002-0482-0685



چکیده

آموزش بین‌المللی که دارای سابقه‌ای قابل توجه در بسیاری از کشورهاست از عناصر برجسته و تأثیرگذار در دیپلماسی فرهنگی به شمار می‌آید. جمهوری اسلامی ایران نیز مانند بسیاری از کشورها سعی در بهره‌گیری از ظرفیت‌های این حوزه داشته است. این حوزه دربرگیرنده دو بخش آموزش‌های حضوری و آموزش‌های مجازی است. در این پژوهش کوشش شد تا جایگاه آموزش بین‌المللی در دیپلماسی فرهنگی به‌طور کلی و جایگاه این حوزه در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به‌طور خاص مورد بررسی قرار گرفته و فرصت‌ها و چالش‌های آن تبیین شود. برای این منظور ابتدا مروری بر مفاهیمی همچون آموزش بین‌المللی، دیپلماسی عمومی و دیپلماسی فرهنگی صورت گرفت و سپس قوانین و اسناد مرتبط و نیز برخی نهادهای فعال این حوزه معرفی شد. در نهایت نیز با ده تن از اساتید و کارشناسان مصاحبه به عمل آمد و متون حاصله بر اساس روش تحلیل مضمون مورد بررسی قرار گرفت. بر این اساس، در یک تقسیم‌بندی کلی فرصت‌های آموزش بین‌المللی عبارت‌اند از: زمینه‌سازی ارتباطات میان‌فرهنگی، ظرفیت‌های اقتصادی و سیاسی، ظرفیت‌های مرتبط با مخاطبان خاص، آموزش و ترویج زبان فارسی، ظرفیت‌های آموزش مجازی و ظرفیت‌های دانش‌آموختگان. چالش‌های این حوزه نیز عبارت‌اند از: چالش‌های ساختاری - فرایندی، چالش‌های نیروی انسانی، چالش‌های محیطی و تبلیغات منفی که در مقاله حاضر بدان‌ها خواهیم پرداخت.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۶



واژگان کلیدی:

آموزش بین‌المللی،
دیپلماسی فرهنگی،
جمهوری اسلامی
ایران، دیپلماسی
عمومی.

* مطالب مندرج در فصلنامه مبنی اندیشه‌ها و دیدگاه‌های نویسندگان است و از این بابت مسئولیتی متوجه فصلنامه نیست.

مقدمه

کشورهای زیادی از ظرفیت آموزش‌های بین‌المللی برای گسترش و ترویج فرهنگ خود و تحقق اهداف مد نظرشان بهره می‌برند. برای درک اهمیت و نقش آموزش‌های بین‌المللی می‌توان به مفهوم «قدرت نرم» که از سوی جوزف نای مطرح شده است؛ توجه کرد. به باور وی «جذابیت یک دولت از طریق هویت، ارزش‌ها و فرهنگ شکل می‌گیرد که اساس ساختار قدرت نرم هستند. قدرت نرم به معنی نفوذ و جذابیتی است که یک ملت به دست می‌آورد تا دیگران را به سمت فرهنگ و ایده‌های خود بکشاند. این واقعیت به طور گسترده‌ای مورد توافق است که فعالیت‌های آموزشی بین‌المللی نتایج دیپلماسی بسیار مثبتی دارد. باید میان فرهنگ فاخر (متعالی) که شامل ادبیات، هنر و تحصیلات است و مورد پذیرش نخبگان یک جامعه است و فرهنگ توده (عامه) که متمرکز بر سرگرمی‌های جمعی است، تفاوت قائل شد» (Nye, 2008: 96). وی همچنین در تبیین سه بعد دیپلماسی عمومی، از برنامه‌های آموزشی و تبادل علمی به‌عنوان بعد سوم و موسوم به توسعه روابط بلندمدت در دیپلماسی عمومی یاد می‌کند (Nye, 2005: 109).

یکی از نمونه‌هایی که بیان اهمیت برنامه‌های آموزشی در دیپلماسی فرهنگی بیان می‌شود، حضور رهبران سیاسی بالقوه کشورهای در این برنامه‌هاست. برای مثال می‌توان به حضور انورسادات، هلموت اشمیت و مارگارت تاچر و بسیاری دیگر از رهبران کشورها در برنامه‌های تبادل آموزشی دولت ایالات متحده در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم اشاره کرد (آشنا و جعفری هفت‌خوانی، ۱۳۸۶: ۱۸۲). به باور نای، دانشجویان بااستعداد خارجی بالاخره در یافتن جایی برای تحصیلات عالی موفق خواهند شد و اگر کشوری به این امر بی‌توجه باشد فرصت اثرگذاری بر آنها و یادگیری از آنان را از دست می‌دهد (Nye, 2004: 14). بدین خاطر است که کالین پاول^۱ وزیر امور خارجه اسبق ایالات متحده می‌گوید: «من نمی‌توانم داشته‌ای باارزش‌تر از دوستی با رهبران آتی دنیا که در اینجا تحصیل کرده‌اند برای

1. Colin Powell

کشور خودمان نام ببرم» (دهشیری و طاهری، ۱۳۹۵: ۶۷).

جمهوری اسلامی ایران نیز از ابتدای شکل‌گیری، همواره به دنبال گسترش و ترویج ارزش‌های مدنظر خود در میان سایر ملت‌ها بوده است. یکی از زمینه‌های برجسته در تحقق این امر، حوزه آموزش بین‌المللی است که طی سالیان گذشته اقداماتی در راستای آن به عمل آمده است. گاه این امر در نظام آموزش دانشگاهی صورت گرفته است، مانند تأسیس دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین، یا پذیرش دانشجویان خارجی در برخی دانشگاه‌های کشور که آمادگی لازم برای میزبانی از ایشان را کسب کرده‌اند. از سوی دیگر می‌توان به نقش مراکز آموزش حوزوی در این زمینه اشاره داشت. گفتنی است علاوه بر پذیرش طلاب خارجی در حوزه‌های علمیه که پیشینه چند ده‌ساله دارد، برخی مراکز آموزشی نیز مانند جامعه المصطفی (علیه‌السلام) العالمیه، دانشگاه ادیان و مذاهب و دانشگاه بین‌المللی اهل‌بیت (علیهم‌السلام) در این زمینه فعالیت کرده‌اند.

با توجه به این نکات می‌توان گفت آموزش بین‌المللی ظرفیت قابل‌اعتنایی در دیپلماسی فرهنگی کشور دارد و می‌تواند نقش مؤثری در این زمینه ایفا کند؛ نقشی که شاید کمتر بدان پرداخته شده باشد. پژوهش حاضر برای بررسی فرصت‌ها و چالش‌های این حوزه به دنبال پاسخ به پرسش‌های اصلی زیر است:

■ جمهوری اسلامی ایران از چه فرصت‌هایی در حوزه آموزش بین‌المللی برخوردار است؟

■ جمهوری اسلامی ایران با چه چالش‌هایی در حوزه آموزش بین‌المللی مواجه است؟

پرسش‌های فرعی پژوهش نیز عبارت‌اند از:

■ آموزش بین‌المللی از چه جایگاهی در دیپلماسی فرهنگی برخوردار است؟

■ آموزش بین‌المللی در چهارچوب دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران چگونه

تعریف شده است؟

۱. پیشینه پژوهش

دهشیری و طاهری (۱۳۹۵) در مقاله «دیپلماسی آموزشی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی» به بررسی وضعیت و ظرفیت‌های آموزشی موجود در کشورهای آسیای میانه پرداخته‌اند. بنابر نظر نویسندگان، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی، زبان فارسی، پیشینه مشترک تمدنی و توان آموزش عالی کشور به‌ویژه در عرصه تبادلات دانشگاهی نسبت به برسازی تصویری مثبت از خود اقدام کند و دیپلماسی آموزشی خود را در آسیای مرکزی ارتقا دهد.

درخشه و غفاری (۱۳۹۰) در مقاله «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام فرصت‌ها، اقدامات، اولویت‌ها و دستاوردها» بر این باورند که دیپلماسی عمومی با بهره‌مندی از منابع قدرت نرم کشور و دو راهبرد آموزشی و رسانه‌ای توانسته است دستاوردهایی همچون «گسترش بیداری اسلامی» و «افزایش عمق راهبردی» را برای کشور در خاورمیانه و آسیای مرکزی به ارمغان آورد.

خسروی و جباری ثانی (۱۳۹۰) در مقاله «ظرفیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی عمومی» از زبان فارسی، مبادله استاد و دانشجو، میراث فرهنگی و تاریخی، اسلام، مرجعیت و مراکز علوم دینی، شهادت، ظلم‌ستیزی و ایثار، مشاهیر ملی و اسلامی و مراکز فرهنگی در خارج از کشور به‌عنوان ظرفیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی عمومی یاد کرده‌اند.

کلهر و صادقی (۱۳۸۹) در گزارش کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس با عنوان «بررسی وضعیت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران: دستگاه‌ها و نهادهای فعال» با اشاره به اهمیت روابط فرهنگی بین‌المللی در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران به ظرفیت‌های موجود در عرصه دیپلماسی فرهنگی کشور پرداخته و سپس اهداف، وظایف و موازی‌کاری موجود میان سی‌نهاد متولی دیپلماسی فرهنگی را برشمرده‌اند.

صادقی (۱۳۹۰) در گزارش کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس با عنوان «وضعیت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران: آسیب‌شناسی دستگاه‌های دولتی متولی گسترش زبان فارسی در خارج از کشور» ضمن آسیب‌شناسی دستگاه‌های متولی ترویج زبان فارسی به ظرفیت جامعه المصطفی‌العالمیه در این زمینه اشاره کرده است.

همان‌گونه که پیداست، هریک از پژوهش‌های بالا از زاویه‌ای خاص به دیپلماسی فرهنگی و احیاناً آموزش بین‌المللی پرداخته‌اند، اما اثر حاضر در پی آن است تا نسبت و ارتباط میان آموزش بین‌المللی و دیپلماسی فرهنگی، جایگاه آموزش بین‌المللی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و در نهایت فرصت‌ها و چالش‌های آن را بررسی کند.

۲. چهار چوب مفهومی

۲-۱. آموزش بین‌المللی

اگرچه آموزش عالی بین‌المللی از منظر ادبیات تحقیق، حوزه‌ای نو به شمار می‌آید، اما پدیده آموزش عالی بین‌المللی از دیرباز وجود داشته است. به باور لوین (۲۰۰۱) نهاد دانشگاه به طور تاریخی «نقشی فرامرزی» داشته است. اینکه دامنه و امتداد این تاریخ چه میزان است، البته قدری محل اختلاف است. برخی چون آلتیچ (۱۹۹۸) و تیچلر (۲۰۰۴) دیرینگی و سابقه این پدیده را «سده‌های میانه و دوره رنسانس در اروپای غربی» می‌دانند؛ زمانی که گستردگی زبان لاتین موجب همکاری‌های بیشتر میان مراکز علمی شده بود. واضح است که در اینجا مراد از بین‌المللی شدن بیشتر، همکاری منطقه‌ای - اروپایی بوده است و نه بیشتر. برخی دیگر نیز همچون استیرنز (۲۰۰۹) معتقدند سابقه آموزش عالی بین‌المللی از لحاظ «اعزام دانشجویان به خارج» و نیز «جذب دانشجویان خارجی» به یک‌قرن و نیم اخیر می‌رسد (خورسندی، ۱۳۹۵: ۳۴) که البته اینجا هم اولویت با دانشگاه‌های اروپایی و امریکای شمالی است، اما آیا به‌راستی دیرینگی و گستره جغرافیایی آموزش عالی بین‌المللی محدود به همان مقداری است که گفته شد؟ تبادل و همکاری‌های علمی از طریق اعزام دانشجویان و استادان چین، ژاپن و کره در قرون پنجم و ششم

میلادی وجود داشته است. در ایران پیش از اسلام نیز نمونه‌های فراوانی از دانشگاه‌ها و مراکز علمی واجد خصلت فرامرزی وجود داشته است که برجسته‌ترینشان دانشگاه «گندی شاپور» است. سالاری (۲۰۰۷) گندی شاپور را که در سال ۲۷۱ پس از میلاد تأسیس شد؛ «کهن‌ترین نهادی می‌داند که به دانشگاه‌های امروزی شباهت داشت» (خورسندی، ۱۳۹۵: ۳۶-۳۵).

پس از جنگ جهانی دوم و در عصر جنگ سرد، آموزش عالی بین‌المللی به خاطر تقابل و رقابت میان ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی ابعاد تازه‌تری یافت. یکی از برجسته‌ترین برنامه‌های ایالات متحده در این راستا، تأسیس برنامه بورسیه فولبرایت^۱ در سال ۱۹۴۶ در زمینه مبادلات آموزش عالی بود. برنامه فولبرایت دو هدف اصلی داشت: «حمایت مالی از جوانان مستعد امریکایی برای ادامه تحصیل در کشورهای خارجی و یادگیری دانش‌های بین‌فرهنگی» و «فراهم کردن تسهیلات لازم برای جوانان بااستعداد کشورهای جنگ‌زده و درحال توسعه برای فراگیری دانش‌های نوین در دانشگاه‌های آمریکا» (خورسندی، ۱۳۹۵: ۳۹).

با پایان جنگ سرد آموزش عالی بین‌المللی وارد مرحله جدیدی شد. مرحله‌ای که دو ویژگی عمده داشت: ویژگی نخست به باور مارینج و وودفیلد، «محوریت یافتن رویکرد اقتصادی در برنامه‌های بین‌المللی دانشگاه‌ها» است (Maringe & Woodfield, 2013: 6). ویژگی دوم نیز به اعتقاد گرین، لو و بوریس «همه‌گیر شدن سیاست بین‌المللی شدن در دانشگاه‌ها در اقصانقاط جهان» است (Green, Luu, & Burris, 2008)؛ بنابراین به طور خلاصه می‌توان سیر تکاملی بین‌المللی شدن آموزش عالی را در سه موج تبیین کرد: موج نخست همراه با «برون‌مرزی شدن»، موج دوم همراه با «اهداف دیپلماتیک و سیاسی» و در پایان، موج سوم همراه با «اهداف اقتصادی و فرهنگی» (خورسندی، ۱۳۹۵: ۴۲-۳۹).

«بین‌المللی شدن آموزش عالی» به معنای امروزی از اوایل دهه ۱۹۸۰ در فضای آکادمیک مورد توجه قرار گرفت؛ هر چند پیش از آن نیز تا حدی به آن پرداخته می‌شد، اما به گونه‌ای نبود که «ادبیات علمی تولیدشده» کافی و قابل توجه باشد. این مفهوم در ادبیات مربوط به این

1. Fulbright Scholarship Program

حوزه، با اصطلاحات و معادل‌هایی چون «آموزش بین‌المللی»^۱، «آموزش تطبیقی»^۲، «آموزش بین‌فرهنگی»^۳ یا «آموزش جهانی»^۴ شناخته می‌شود که این معادل‌ها به‌رغم تفاوت‌های زمینه‌ای، دلالت‌های کم‌وبیش یکسان یا شبیه هم دارند (خورسندی، ۱۳۹۵: ۲۰). در اواخر دهه ۱۹۸۰، بین‌المللی شدن معمولاً بر حسب برخی فعالیت‌ها و در سطحی «نهادی» تعریف می‌شد. برای نمونه آروم و وندی واتر^۵ بین‌المللی شدن را بیشتر ناظر به فعالیت‌های دانشگاه‌ها در زمینه «مطالعات بین‌المللی»، «مبادلات آموزشی بین‌المللی» و «همکاری‌های تخصصی» تعریف می‌کردند (Arum & Van De Water, 1992: 195؛ به نقل از نایت، ۱۳۹۵: ۲۵).

در اواسط دهه ۱۹۹۰، بین‌المللی شدن آموزش عالی از سوی جین نایت به «فرایند تلفیق بُعد بین‌المللی و بین‌فرهنگی در زمینه تدریس، تحقیق و خدمات یک مؤسسه» گفته می‌شد. این تعریف که با رویکردی «سازمانی - کارکردی» همراه بود هرچند با اقبال روبه‌رو شد، اما همچنان فاقد جامعیت لازم بود. در سال ۱۹۹۷ ون در ونده^۶ با تأکید بر محدودیت‌های تعریف نهادی، بین‌المللی شدن را «هرگونه اقدام نظام‌مند آموزش عالی به منظور واکنش به الزام‌ها و چالش‌های جهانی شدن در جوامع، اقتصاد و بازار کار تعریف کرد» (Van der Wende, 1997: 19). این تعریف گرچه ابعاد بااهمیتی را دربرمی‌گرفت، اما تنها بر «محیط بیرونی» و «جهانی شدن» متمرکز بود (نایت، ۱۳۹۵: ۲۷-۲۱).

با آغاز قرن بیست‌ویکم، دو رویکرد «آرمان‌گرایانه» و «کارکردگرایانه» در زمینه تعریف بین‌المللی شدن صورت گرفت. با اتکا به رویکرد نخست، بین‌المللی شدن آموزش عالی «فرایند تلفیق بُعد بین‌المللی در فعالیت‌ها و برنامه‌های آموزش عالی به منظور تربیت نسل جدیدی از شهروندان مسئولیت‌پذیر، منتقد و جهان‌شهروند است» (خورسندی، ۱۳۹۴: ۳۴)، اما

1. International Education
2. Comparative Education
3. Intercultural Education
4. Global Education
5. Arum and Van De Water
6. Van der Wende

مطابق با رویکرد کارکردگرایانه، بین‌المللی شدن «فرایند تجاری‌سازی آموزش عالی و بازاریابی تولیدات پژوهشی و رقابت برای جذب نخبگان (اعم از دانشجویان و پژوهشگران خارجی) و دانشجویان برخوردار، از کشورهای در حال توسعه به منظور درآمدزایی و جبران کسری بودجه، افزایش پروفایل ملی دانشگاه و کسب اعتبار بین‌المللی برای دانشگاه و مدیریت آن» است (خورسندی، ۱۳۹۴: ۳۵).

۱-۱-۲. راهبردهای آموزش بین‌المللی

دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزشی به منظور دستیابی به اهداف و برنامه‌های خود در زمینه آموزش بین‌المللی، از راهبردهای گوناگونی استفاده می‌کنند که در این رابطه می‌توان به دسته‌بندی نایت (۲۰۰۴) اشاره کرد که راهبردها را به دو سطح «برنامه» و «سازمان» تقسیم می‌کند. در نگاه وی راهبردهای برنامه بیشتر ناظر به فعالیت‌های بین‌المللی است که در «گروه‌های آموزشی» اجرا می‌شوند؛ اما راهبردهای سازمان راهبردهایی با نقش «پشتیبانی، حقوقی و نظارتی» اند که توسط دولت‌ها و مدیران دانشگاه‌ها برای «اجرای مطلوب راهبردهای برنامه» اجرا می‌شوند (خورسندی، ۱۳۹۵: ۸۴).

برای جمع‌بندی و در حالت کلی می‌توان سه راهبرد کلان را در راستای بین‌المللی شدن آموزش عالی برشمرد:

■ «بین‌المللی شدن برنامه درسی»^۱

■ «بین‌المللی شدن پردیس دانشگاه»^۲

■ «بین‌المللی شدن فراسوی مرزها»^۳

اکنون با توجه به مطالب مطرح شده در این بخش می‌توان بهتر به پرسش «آموزش بین‌المللی چیست؟» پاسخ داد. آموزش بین‌المللی رویکردها و راهبردهایی متفاوت - نه لزوماً

1. Internationalization of Curriculum (IOC)

2. Internationalization at Home

3. Cross-border Internationalization

ناهمساز - دارد. برخی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزشی هم برنامه‌داری را با نگاه بین‌المللی تدوین می‌کنند و هم زمینه حضور مخاطبان برون‌مرزی را در پردیس دانشگاه فراهم می‌سازند و هم اقدام به تأسیس شعب خارجی می‌کنند، اما همه دانشگاه‌ها لزوماً چنین راهی را در پیش نمی‌گیرند. محدودیت منابع یا ضرورت پرداختن به اولویت‌ها یا اساساً باورهای سیاست‌گذاران، آنان را وادار می‌سازد تنها به یک یا دو راهبرد اکتفا کنند. باوجوداین، آن‌ها را نیز می‌توان در حوزه آموزش بین‌المللی در نظر گرفت.

۲-۲. دیپلماسی عمومی

تاکنون تعاریف متنوع و گوناگونی برای دیپلماسی عمومی ارائه شده است. تعاریف اولیه از دیپلماسی عمومی تنها بیان‌هایی کلی درباره اهداف آن بود مانند تعریف ادmond گولین، استاد دانشگاه و دیپلمات امریکایی که نخستین بار در سال ۱۹۶۵ میلادی، دیپلماسی عمومی را «ارتباطات معطوف به منافع ملی یک کشور از طریق برقراری ارتباط با مردم آن سوی مرزها» دانست (هادیان و سعیدی، ۱۳۹۲: ۴۱). در تعریف گولین از دیپلماسی عمومی مفهوم ارتباطات پررنگ‌تر است؛ درحالی‌که در نگاه برخی دیگر از صاحب‌نظران، دیپلماسی عمومی واجد سطحی فراتر از ارتباطات است؛ سطحی که در منابع مختلف با عنوان نفوذ و تأثیر از آن یاد شده است. برای نمونه جین بیگلر^۲ دیپلماسی عمومی را به معنای «نفوذ تأثیر» می‌داند و نه «صرفاً ارتباطات» (اشتریان و جعفری هفت‌خوانی، ۱۳۸۶: ۱۱۸). فرهنگ اصطلاحات روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه امریکا نیز دیپلماسی عمومی را «برنامه‌های تحت حمایت دولت که با هدف اطلاع‌رسانی و اعمال نفوذ بر افکار عمومی در دیگر کشورها به اجرا درمی‌آید»؛ تعریف می‌کند. در تعریفی دقیق‌تر از سوی کمیسیون مشورتی دیپلماسی عمومی ایالات متحده^۳ دیپلماسی عمومی عبارت است از «فرایند اطلاع‌رسانی، تعامل و تأثیرگذاری بر مردمان

1. Edmund Gullion
2. Gene E. Bigler
3. The U.S. Advisory Commission on Public Diplomacy

کشورهای خارجی به گونه‌ای که (مردم آن کشورها) در نتیجه این فعالیت‌ها حکومت‌های خود را ترغیب کنند از سیاست‌های کلیدی امریکا حمایت کنند» (هادیان و سعیدی، ۱۳۹۲: ۴۱).

کیگلی^۱ با تقسیم‌بندی ابزارهای نفوذ یک کشور بر کشور دیگر به دو دسته رسمی و غیررسمی، دیپلماسی عمومی را با عنوان «نفوذ غیررسمی» قرار داده و آن را معادلی مؤدبانه‌تر برای واژه تبلیغات و به معنای گسترش نظام‌مند اطلاعات به منظور تأثیرگذاری بر افکار عمومی می‌داند. دیلینی^۲ نیز با تعریف نسبتاً مشابهی، دیپلماسی عمومی را نوعی روابط عمومی بین‌المللی تعریف کرده که کارویژه‌اش «تأثیرگذاری مستقیم یا غیرمستقیم دولت، افراد و گروه‌های خصوصی بر نگرش‌ها و افکار عمومی مؤثر بر تصمیم‌سازی در سیاست خارجی کشور دیگر» است (آشنا و جعفری هفت‌خوانی، ۱۳۸۶: ۱۸۴). نکته قابل توجه در تعریف دیلینی افزودن سطح غیردولتی است. این همان چیزی است که برخی از آن با عنوان «دیپلماسی خط دو»^۳ یاد می‌کنند (هادیان و احدی، ۱۳۸۸: ۱۹).

۳-۲. دیپلماسی فرهنگی

به نظر می‌رسد دسته‌بندی‌هایی که درباره تعاریف دیپلماسی عمومی گفته شد برای دیپلماسی فرهنگی نیز صدق کند. برخی مطابق با رویکرد سنتی، دیپلماسی فرهنگی را «روایت داستان یک تمدن برای صاحبان سایر تمدن‌ها با استفاده از ابزارهایی از جنس همان تمدن» می‌دانند (خانی، ۱۳۸۴: ۱۳۷)، اما برخی دیگر ذیل رویکرد دوم (نوین) جای می‌گیرند. برای نمونه نینکویچ^۴، دیپلماسی فرهنگی را «تلاش برای ارتقای سطح ارتباطات و تعامل میان ملل جهان با هدف طراحی و بنیاد نهادن تفاهم‌نامه‌ها و توافق‌هایی بر اساس ارزش‌های مشترک» تعریف می‌کند (خانی، ۱۳۸۴: ۱۳۷). در رویکردی مشابه، مالون^۵ با تأکید بر وجه طرفینی دیپلماسی

1. Kegly
2. Delaney
3. Track II Diplomacy
4. Ninkovich, Frank
5. Malone, Gifford D.

فرهنگی آن را ابزاری برای ارائه تصویر واقعی و ارزش‌های یک ملت و درعین حال دریافت تصاویر و ارزش‌های سایر ملل می‌داند (خانی، ۱۳۸۴: ۱۳۷).

اکنون پس از مرور تعاریف دیپلماسی عمومی و دیپلماسی فرهنگی وقت آن است تا به بررسی نسبت این دو با یکدیگر و آموزش بین‌المللی بپردازیم. برخی صاحب‌نظران دیپلماسی فرهنگی را تقریباً معادل دیپلماسی عمومی می‌دانند. برای مثال کامینگا (۲۰۱۳) معتقد است از آنجاکه عمده مؤلفه‌های دیپلماسی عمومی برگرفته از عناصر فرهنگی است، دیپلماسی عمومی عملاً همان دیپلماسی فرهنگی است (Kim, 2017: 312)؛ این در حالی است که بسیاری بر این باورند که دیپلماسی فرهنگی شاخه‌ای از دیپلماسی عمومی است. برای نمونه دهشیری (۱۳۹۳) دیپلماسی عمومی را منقسم بر دو بُعد دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی رسانه‌ای می‌داند (بشیر و میرفخرایی، ۱۳۹۶: ۱۴۲). آشنا و جعفری هفت‌خوانی (۱۳۸۶) نیز با رویکردی مشابه دیپلماسی عمومی را به دو دسته دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی ارتباطی تقسیم می‌کنند (آشنا و جعفری هفت‌خوانی، ۱۳۸۶: ۱۸۵).

درخشه و غفاری (۱۳۹۰) برای دیپلماسی عمومی بر اساس سطح مخاطبان، قائل به دو راهبرد هستند. راهبرد نخست که آن را مترادف با دیپلماسی عمومی نخبگانی می‌نامند «راهبرد آموزشی» است. ایشان با تأکید بر نقش چشمگیر نخبگان در شکل‌گیری افکار عمومی و جهت‌دهی به آن می‌نویسند: «راهبرد آموزشی که گاه «دیپلماسی فرهنگی» نیز خوانده می‌شود، به برقراری، توسعه و پیگیری روابط با نخبگان کشورهای خارجی از طریق فرهنگ، هنر و آموزش مرتبط است» (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۱۴). راهبرد دوم در نگاه ایشان که آن را مترادف با دیپلماسی عمومی همگانی نام‌گذاری می‌کنند «راهبرد رسانه‌ای» است. این راهبرد همان‌گونه که پیداست، ویژه عامه مردم است، اما کدام‌یک از این دو راهبرد مؤثرترند؟ نگارندگان استدلال می‌کنند که آموزش با «آماده‌سازی ذهن» برای پذیرش داده‌های جدیدتر طی فرایندی طولانی، بر تبلیغات رسانه‌ای که باعث «گیج» شدن مخاطب می‌شود، ترجیح دارد؛ از این رو «موفقیت ناشی از

دیپلماسی عمومی مبتنی بر آموزش پایدارتر از دیپلماسی عمومی مبتنی بر ابزارهای رسانه‌ای است» (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۱۶). باوجوداین، هر دو راهبرد باید برای پیشبرد اهداف دیپلماسی عمومی، هم‌زمان به‌کار گرفته شوند. چنانکه به باور نای، دو دلیل عمده قدرت نرم ایالات متحده عبارت‌اند از سینما و تلویزیون که الهام‌بخش رؤیایها و آرزوهای عموم افراد است و دیگری دانشجویانی که برای تحصیل به آمریکا می‌آیند (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۱۷).

در تأیید ارتباط آموزش بین‌المللی و دیپلماسی فرهنگی و اهمیت عنصر آموزش در دیپلماسی فرهنگی، در آثار برخی دیگر از صاحب‌نظران حوزه دیپلماسی فرهنگی نیز نشانه‌هایی یافت می‌شود. یکی از موضوعی که ایشان ذیل آن به این امر اشاره داشته‌اند، مبحث روش‌ها و ابزارهای دیپلماسی فرهنگی است. برای نمونه موکو و تامپسون، «پذیرش اساتید و دانشجویان خارجی»، «آموزش زبان» و «ارتقای مبادلات آموزشی» را از جمله ابزارهای دیپلماسی فرهنگی می‌دانند. میچل نیز «آموزش زبان کشور مبدأ» و «فعالیت‌های علمی - آموزشی» را از زمینه‌های تحقق دیپلماسی فرهنگی برمی‌شمرد (صالحی امیری و محمدی، ۱۳۸۹: ۱۲۵-۱۲۱).

در مقام جمع‌بندی این بخش و ارائه رویکرد مختار در این پژوهش، می‌توان گفت دیپلماسی فرهنگی در کنار دیپلماسی رسانه‌ای، شاخه‌ای از دیپلماسی عمومی است که مبتنی بر رویکردی نوین، به منظور ایجاد رابطه، هماهنگی و شبکه‌سازی میان کنشگران دولتی - غیردولتی و مخاطبان برون‌مرزی از طریق برنامه‌ها و فعالیت‌های مشتمل بر عناصری چون دانش، دین، هنر و زبان در قالب‌های گوناگون صورت می‌پذیرد.

۳. دیپلماسی فرهنگی و آموزش بین‌المللی در جمهوری اسلامی ایران

دیپلماسی فرهنگی و آموزش بین‌المللی هر دو، حوزه‌هایی دارای پیشینه و سابقه‌ای دیرین در جمهوری اسلامی محسوب می‌شوند. دیپلماسی فرهنگی را می‌توان در آرمان «صدور انقلاب» که از روزهای نخست نظام اسلامی مطرح بوده است، جست‌وجو کرد. آموزش بین‌المللی نیز در حیطه آموزش‌های حوزوی از تشکیل «شورای سرپرستی طلاب غیرایرانی» در سال ۱۳۵۸ قابل

ردیابی است. در این بخش ابتدا اسناد و قوانین بالادستی مرتبط با حوزه دیپلماسی فرهنگی و آموزش بین‌المللی را بررسی کرده، سپس به اختصار نهادهای فعال این حوزه را معرفی می‌کنیم.

۱-۳. قوانین و اسناد بالادستی

برخی قوانین و اسناد شامل نکاتی درباره دیپلماسی فرهنگی از منظر آموزش بین‌المللی هستند. فراوانی و گوناگونی این نکات نشان‌دهنده توجه سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران به امر آموزش بین‌المللی و به‌ویژه دیپلماسی فرهنگی است که در ادامه به مهم‌ترینشان اشاره می‌شود:

■ در بند ۶۳ سیاست‌های کلی ابلاغی برنامه ششم توسعه توسط رهبری بر «بهره‌گیری حداکثری از روش‌ها و ابزارهای دیپلماسی نوین و عمومی» تأکید شده است.

■ در قانون برنامه ششم توسعه ذیل ماده ۶۴ به دولت اجازه داده شده است تا با ایجاد واحدها و شعب آموزش عالی در داخل کشور با مشارکت دانشگاه‌های معتبر بین‌المللی و داخلی، زمینه «ارتقای علمی و تعاملات بین‌المللی» را مهیا سازد. همچنین ذیل ماده ۱۰۵ وزارت امور خارجه موظف شده به «بهره‌برداری از دیپلماسی عمومی و روش‌ها و ابزارهای نوین و کارآمد اطلاع‌رسانی در گستره‌ای فرامرزی برای تبیین دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران در ابعاد گفتمانی و معنایی و ارتقای جایگاه ایران در افکار عمومی جهان» اقدام کند.

■ در سند اصول سیاست فرهنگی کشور که در سال ۱۳۷۱ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده است، ذیل بندهای متعددی همچون بند ۱، ۳، ۷ و ۴۶ بر مضامینی همچون بسط پیام و فرهنگ انقلاب اسلامی جهان، ارتباط فعال با کشورها و ملت‌ها، ترویج و گسترش زبان فارسی و تأسیس و تقویت مراکزی مانند دانشگاه بین‌المللی اسلامی تأکید شده است.

■ در نقشه جامع علمی کشور که در سال ۱۳۸۹ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده نیز اشاره‌هایی به آموزش بین‌المللی شده است. این سند مشتمل بر پنج فصل «ارزش‌های بنیادین و الگوی نظری نقشه جامع علمی کشور»، «وضع مطلوب علم و فناوری»، «اولویت‌های علم و فناوری کشور»، «راهبردها و اقدامات ملی برای توسعه علم و

فناوری در کشور» و «چهارچوب نهادی علم، فناوری و نوآوری» است. ذیل فصل چهارم این سند، بر توسعه زبان فارسی از طریق افزایش پذیرش دانشجویان خارجی و توسعه همکاری با دانشگاه‌های جهان اسلام و کشورهای پیشرو از طریق برنامه‌های تبادل استاد و دانشجو تأکید شده است.

■ در سند جامع روابط علمی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۹۶ که دارای چهار ماده اصلی «اهداف کلان»، «راهبردها»، «اقدامات ملی» و «راهبری و نظارت» است موارد مرتب‌تبی همچون تأکید بر توسعه همکاری‌های علمی بین‌المللی، تقویت شبکه‌های صیانت‌شده فراملی میان دانشمندان، دانشجویان و پژوهشگران در داخل و خارج کشور و سامان‌دهی، حمایت و هدفمندکردن پذیرش دانشجویان غیرایرانی ملاحظه می‌شود.

■ در سند دانشگاه اسلامی که در سال ۱۳۹۲ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده است، ذیل فصل‌های مربوط به نظام آموزشی و نظام مدیریتی، راهبردهایی درباره جذب دانشجویان و نخبگان خارجی و نقش‌آفرینی فعال دانشگاه‌ها در عرصه‌های علمی و فرهنگی در سطح بین‌الملل بیان شده است. گفتنی است هریک از راهبردهای این سند بر اساس اقدامات ویژه‌ای تعریف شده است.

۲-۳. نهادهای فعال

شمار نهادهای متولی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به بیش از بیست نهاد می‌رسد.^۱ بسیاری از این نهادها چه از نظر مأموریت و چه از نظر عملکرد با یکدیگر هم‌پوشانی دارند. به نظر می‌رسد علاوه بر برخی از دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی کشور که

۱. برخی از این نهادها عبارت‌اند از: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مجمع جهانی تقریب، مجمع جهانی اهل‌بیت، وزارت میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، کمیته امداد امام خمینی، بنیاد ایران‌شناسی، آستان قدس رضوی، مؤسسه فرهنگی اکو، مرکز مطالعات و همکاری‌های بین‌المللی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، اداره کل فرهنگی وزارت امور خارجه، سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی قم، سازمان حج و زیارت، واحد بین‌الملل دفتر مقام معظم رهبری، جامعه المصطفی (ص) العالمية، دانشگاه بین‌المللی اهل‌بیت(ع)، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی و....

توانایی پذیرش و میزبانی دانشجویان خارجی را در کنار دانشجویان داخلی دارند، برخی مراکز و نهادهای آموزشی به طور ویژه به امر آموزش بین‌المللی اشتغال دارند که از این میان می‌توان به جامعه المصطفی (علیه‌السلام) العالمية، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی و دانشگاه بین‌المللی اهل‌بیت (علیهم‌السلام) اشاره کرد. در ادامه به‌اختصار به بررسی زمینه‌های فعالیت این مراکز می‌پردازیم.

۱-۲-۳. جامعه المصطفی (علیه‌السلام) العالمية

این مجموعه که در سال ۱۳۸۶ با تلفیق مرکز جهانی علوم اسلامی و سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور تأسیس شده است، به ارائه دوره‌های آموزشی علوم اسلامی و انسانی در دو نظام آموزش حوزوی و دانشگاهی می‌پردازد. گفتنی است این نهاد علمی بین‌المللی که در بیش از شصت کشور جهان دارای واحدهای آموزشی است، بیش از پنجاه هزار دانش‌پژوه مرد و زن را از ۱۲۲ ملیت، تحت تعلیم و تربیت خود داشته که تاکنون بیش از بیست‌وپنج هزار نفر از آنان دانش‌آموخته شده‌اند.^۱

۲-۲-۳. دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

در سال ۱۳۶۲ قانون تأسیس دانشگاه بین‌المللی اسلامی در مجلس شورای اسلامی تصویب شد. دانشگاه فعالیت خود را از آن زمان به صورت محدود آغاز کرد. در سال ۱۳۷۰ با دستور وزیر وقت علوم، دانشگاه با مجتمع آموزش عالی دهخدا ادغام شد و به دانشگاه بین‌المللی امام خمینی تغییر نام یافت. این دانشگاه تا کنون پذیرای دانشجویان از ۱۰۰ کشور جهان بوده است. در حال حاضر دانشگاه بین‌المللی امام خمینی دارای شش دانشکده است: دانشکده فنی و مهندسی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشکده علوم پایه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشکده علوم اجتماعی، و دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی. همچنین دانشگاه دارای یک مرکز آموزش زبان فارسی نیز است که نقش اصلی در گسترش و ترویج زبان فارسی میان دانشجویان خارجی دارد.^۲

۱. به نقل از تارنمای جامعه المصطفی www.miu.ac.ir

۲. به نقل از تارنمای دانشگاه بین‌المللی امام خمینی www.ikiu.ac.ir

۳-۲-۳. دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (علیهم‌السلام)

«مرکز آموزش عالی اهل بیت علیهم‌السلام» در سال ۱۳۸۳ با دریافت مجوز از شورای گسترش آموزش عالی شروع به فعالیت کرد که به دلیل ناکارآمدی عنوان «مرکز» در خارج از کشور، جذب دانشجوی، تنظیم توافق‌نامه با دیگر دانشگاه‌ها در خارج از کشور، اعتبار مدارک دانش‌آموختگان از سوی غالب کشورها و به تبع آن اشتغال دانش‌آموختگان، در اجلاس مجمع جهانی اهل بیت در سال ۱۳۹۰ به «دانشگاه بین‌المللی اهل بیت علیهم‌السلام» ارتقا پیدا کرد. در ادامه در سال ۱۳۹۳ اساسنامه این دانشگاه در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید. در رابطه با نظام آموزشی، دانشگاه دارای چهار دانشکده مطالعات اسلامی، حقوق و علوم سیاسی، علوم اجتماعی و رفتاری، و علوم و فنون، یک دپارتمان زبان و یک مرکز آموزش‌های کوتاه‌مدت است.^۱

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع و هدف پژوهش ذیل پارادایم تفسیری قابل طرح است. همچنین از آنجاکه این پژوهش به دنبال شناخت فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی یک سازمان مشخص است، می‌توان آن را دارای جهت‌گیری کاربردی دانست و با توجه به اینکه فاقد فرضیه یا نظریه پیشینی است، رویکرد استقرایی دارد. روش پژوهش نیز با توجه به هدف پژوهش که فهم و اکتشاف پدیده‌ای اجتماعی است که در قالب متن صورت می‌پذیرد، روش کیفی است. برای گردآوری داده‌های پژوهش از ابزارهای گردآوری داده همچون مصاحبه نیمه‌ساخت‌مند و مطالعه کتابخانه‌ای استفاده شده است. غالب پژوهش‌ها - حداقل در مرحله نخست - نیازمند بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای هستند. در این پژوهش نیز برای تدوین پیشینه و چهارچوب مفهومی پژوهش و نیز مرور اسناد و قوانین از این روش استفاده شده است. از آنجاکه انتظار می‌رفت در مرحله مصاحبه، پژوهش با موانعی روبه‌رو شود، تا حد امکان تلاش شده است اطلاعات مربوط به مورد پژوهش از تمامی منابع مکتوب قابل دسترس جمع‌آوری شود. در

۱. به نقل از تارنمای دانشگاه بین‌المللی اهل بیت www.abu.ac.ir

مرحله بعد نیز، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است. مصاحبه‌شوندگان بر اساس صلاحیت علمی و عملی و نیز اشراف‌شان نسبت به موضوع انتخاب شدند. روش انتخاب افراد نیز بر اساس روش گلوله‌برفی است. برای تحلیل داده‌ها نیز از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. همچنین شیوه‌ی منتخب برای تحلیل مضمون در این پژوهش فرایندی سه‌مرحله‌ای کینگ و هاروکز (۲۰۱۰) ^۱ خواهد بود. این فرایند شامل سه مرحله کدگذاری توصیفی، کدگذاری تفسیری و یکپارچه‌سازی از طریق مضامین فراگیر است (برزویی، ۱۳۹۴: ۱۴۷). در این راستا ابتدا متون مصاحبه‌ها که با ده نفر از اساتید و کارشناسان صورت گرفته بود، به صورت توصیفی کدگذاری شد و پس از آن در مرحله دوم به صورت مضامین تفسیری دسته‌بندی شد و در نهایت مضامین فراگیر از طریق یکپارچه‌سازی مضامین مرحله دوم به دست آمدند. حاصل این کار در دو دسته اصلی فرصت‌ها و چالش‌ها قرار گرفت.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. کدگذاری توصیفی

در این مرحله همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد متون مصاحبه‌ها به صورت توصیفی کدگذاری شد. در جدول شماره ۱ نمونه‌ای از این مرحله قابل مشاهده است.

جدول شماره ۱. کدگذاری توصیفی

ردیف	متن	مضمون پایه
۱	متأسفانه ما هنوز لوکال (دارای روحیه محلی) هستیم. اضافه بر این روحیات دیگری هم داریم که تعامل را سخت می‌کند، مانند تمایل نداشتن به کار گروهی.	غلبه روحیه محلی تمایل نداشتن به کار گروهی
۲	یک مسئله دیگری هم که ما داریم این است که در ابعاد مهارتی ضعیفیم. یعنی برای مثال زبان نمی‌دانیم یا با فرهنگ‌های دیگر آشنایی کافی نداریم.	فقدان آشنایی کافی با زبان‌های بین‌المللی فقدان آشنایی کافی با فرهنگ‌های دیگر

۱. King and Horrocks

ردیف	متن	مضمون پایه
۳	به‌طور کلی ما در کشورهای هم‌جوار مخاطب بالقوه بیشتری داریم. کشورهای عربی منطقه، شبه‌قاره، آسیای میانه و غیره. با بعضی‌ها اشتراک زبانی داریم، با بعضی‌ها اشتراک مذهبی داریم و این‌ها خودش فرصت است.	اهمیت اشتراک‌های زبانی
		اهمیت اشتراک‌های مذهبی
۴	تبلیغات بسیار گسترده علیه ما به‌عنوان ایرانی و شیعه وجود دارد که کار را سخت کرده است. در بعضی از کشورها هم متأثر از همین فضا با حضور و فعالیت آموزشی موافقت نمی‌کنند.	تبلیغات منفی
۵	یکی از اشکالات کار مجموعه‌های فرهنگی ما این است که ارزیابی از کار نداریم. یعنی نمی‌دانیم کار ما چقدر مؤثر بوده است.	فقدان ارزیابی و اثرسنجی مؤثر
۶	هر کشوری مایل است از هر طریقی که شده فرهنگ خودش را میان سایر جوامع ترویج کند. یکی از این راه‌ها هم آموزش است که می‌تواند مؤثر باشد. این هم فقط بحث فرهنگی نیست، بلکه می‌تواند نتایج سیاسی و اقتصادی هم داشته باشد.	آموزش بین‌المللی به‌مثابه ابزار ترویج فرهنگ
		ثمرات سیاسی آموزش بین‌المللی
		ثمرات اقتصادی آموزش بین‌المللی

۲-۵. کدگذاری تفسیری

پس از پایان مرحله نخست که طی آن تمامی مصاحبه‌ها به صورت توصیفی کدگذاری شدند، با بررسی مضامین، کوشش شد مضامین نزدیک و مرتبط در یک دسته جای گیرند و مضامین سازمان‌دهنده را شکل دهند تا برای مرحله نهایی که یکپارچه‌سازی و رسیدن به مضامین فراگیر است، به کار گرفته شوند. در جدول شماره ۲ بخشی از مضامین سازمان‌دهنده مشاهده می‌شود.

جدول شماره ۲. کدگذاری تفسیری

ردیف	مضامین پایه	مضمون سازمان‌دهنده
۱	دوره‌های آموزش زبان فارسی	آموزش و ترویج زبان فارسی
	ظرفیت‌های زبان فارسی در معرفی فرهنگ ایرانی - اسلامی	

ردیف	مضامین پایه	مضمون سازمان‌دهنده
	فرصت ترویج زبان فارسی در حوزه بین‌الملل	
۲	ارتباط با افراد از ادیان و فرهنگ‌های متفاوت زمینه‌ساز تعامل بهتر و اثرگذار	زمینه‌سازی ارتباطات میان فرهنگی
	مخاطب مردمی آموزش بین‌المللی	
	ارتباط مؤثرتر و صمیمی‌تر در آموزش بین‌المللی در مقایسه با سایر ابزارهای دیپلماسی فرهنگی	
۳	تعداد و تنوع بیشتر دانشجویان در دوره‌های مجازی	ظرفیت‌های آموزش مجازی
	مزیت‌های اقتصادی آموزش مجازی	
	دسترسی آسان آموزش مجازی	
۴	فقدان ارزیابی و اثربسنجی مؤثر	چالش‌های ساختاری - فرایندی
	ضرورت توسعه زیرساخت‌ها	
	ضرورت خودگردانی و استقلال مالی	
۵	زمینه‌سازی برای افزایش فرصت‌های اقتصادی کشور	ظرفیت‌های اقتصادی و سیاسی
	موانع سیاسی کمتر در دیپلماسی فرهنگی مردم‌محور	

بر این اساس و از طریق دسته‌بندی مضامین پایه مرتبط، مضامین سازمان‌دهنده به دست آمدند که عبارت‌اند از: زمینه‌سازی ارتباطات میان‌فرهنگی، ظرفیت‌های اقتصادی و سیاسی، ظرفیت‌های مرتبط با مخاطبان خاص، آموزش و ترویج زبان فارسی، ظرفیت‌های آموزش مجازی، ظرفیت‌های دانش‌آموختگان، چالش‌های ساختاری - فرایندی، چالش‌های نیروی انسانی، چالش‌های محیطی و تبلیغات منفی.

۳-۵. یکپارچه‌سازی

در این مرحله که آخرین مرحله فرایند تحلیل مضمون است، مضامین سازمان‌دهنده به دست آمده از مرحله پیشین، ذیل دو مضمون فراگیر قرار گرفته‌اند که در جدول شماره ۳ قابل ملاحظه است.

جدول شماره ۳. یکپارچه‌سازی

ردیف	مضامین سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۱	زمینه‌سازی ارتباطات میان‌فرهنگی	فرصت‌های آموزش بین‌المللی
۲	ظرفیت‌های اقتصادی و سیاسی	
۳	ظرفیت‌های مرتبط با مخاطبان خاص	
۴	آموزش و ترویج زبان فارسی	
۵	ظرفیت‌های آموزش مجازی	
۶	ظرفیت‌های دانش‌آموختگان	
۷	چالش‌های ساختاری - فرایندی	چالش‌های آموزش بین‌المللی
۸	چالش‌های محیطی	
۹	چالش‌های نیروی انسانی	
۱۰	تبلیغات منفی	

۶. تحلیل یافته‌های پژوهش

۶-۱. فرصت‌های آموزش بین‌المللی

۶-۱-۱. زمینه‌ساز ارتباطات میان‌فرهنگی

یکی از اصلی‌ترین آثار آموزش بین‌المللی، توسعه ارتباطات میان‌فرهنگی است. طبعاً این ارتباط در مرحله نخست می‌تواند موجب آشنایی و شناخت متقابل شود، ولی اگر گام فراتر نهیم، درمی‌یابیم چنین ارتباطی می‌تواند فراتر از شناخت و آشنایی صرف مؤثر افتد و سبب یادگیری و ارتقای فرهنگی خود شود. ناگفته پیداست این ارتباط می‌تواند نقاط قوت و ضعف ما را بهتر به ما بنمایاند و چه‌بسا سبب بهبود وضعیت فرهنگی ما شود. مزیت دیگر آموزش بین‌المللی در مقایسه با دیگر ابزارهای دیپلماسی عمومی نیز همین ارتباط نزدیک، رودررو و چه‌بسا صمیمی با مخاطب است که می‌تواند اثر ماندگاری بر جای گذارد. همچنان‌که پیش‌تر نیز اشاره شد راهبرد آموزشی در دیپلماسی عمومی نسبت به راهبرد رسانه‌ای اثر ماناتری به دنبال دارد.

۲-۱-۶. ظرفیت‌های اقتصادی و سیاسی

آموزش بین‌المللی در کنار ثمرات دیگر می‌تواند دو فرصت مهم فراهم آورد: نخست فرصت‌های اقتصادی و دوم فرصت‌های سیاسی. فرصت‌های اقتصادی به دو گونه قابل تعریف‌اند. یا فرصت‌هایی هستند که دانشگاه و نهاد آموزشی به طور مستقیم از آن‌ها می‌تواند بهره‌مند شود؛ مانند دریافت شهریه از دانشجویان یا فرصت‌هایی هستند که غیرمستقیم و در طولانی‌مدت می‌توانند به ثمر بنشینند؛ فرصت‌هایی برآمده از نزدیکی میان دو کشور و ایجاد روابط پایدار. در رابطه با فرصت‌های سیاسی نیز باید یادآور شد این‌گونه فرصت‌ها عموماً در کوتاه‌مدت قابل دستیابی نیستند، اما می‌توان امید داشت با برنامه‌ریزی سنجیده و اتخاذ رویکردهای کارا در درازمدت این سنخ ثمرات آموزش بین‌المللی نیز به بار بنشیند؛ همچنانکه تاریخ روابط متقابل آموزش بین‌المللی و دیپلماسی فرهنگی شاهد چنین امری بوده است.

۳-۱-۶. ظرفیت‌های مرتبط با مخاطبان خاص

شرایط و اقتضائات سبب می‌شوند که هر مجموعه‌ای اولویت‌هایی را برای نیل به اهداف خود برگزیند. گاه توجه به مخاطبانی برآمده از منطقه جغرافیایی خاص یا باورمند به مذهبی مشخص یا واجد خصیصه فرهنگی متمایزی اولویت می‌یابد. البته این امر به معنای نادیده گرفتن سایر مخاطبان نیست بلکه فقط بهره بردن از ظرفیت‌های ویژه است. در گفتار اکثر مصاحبه‌شوندگان این نکته به انحای مختلف بروز یافت. اهمیت منطقه شبه‌قاره، اهمیت کشورهای فارسی‌زبان و ضرورت‌های سیاسی و فرهنگی مناطق گوناگون از مهم‌ترین نکات این بخش است.

۴-۱-۶. آموزش و ترویج زبان فارسی

شاید بتوان گفت یکی از جدی‌ترین و به بیانی در دسترس‌ترین فرصت‌های برآمده از آموزش بین‌المللی برای کشورمان امر آموزش و ترویج زبان فارسی است. تقریباً همه دانشجویان و طلابی که برای تحصیل دانش به کشور می‌آیند، ناگزیر از یادگیری زبان فارسی‌اند. همان‌گونه که بنا بر گفته یکی از مصاحبه‌شوندگان: «برای مثال طلاب و دانشجویانی که به صورت

حضور به ایران می‌آیند، دوره‌های آموزش زبان فارسی می‌گذرانند، یعنی هم ابتدای کار یک دوره شش ماهه تا یک ساله می‌بینند و هم در ادامه یکی از رشته‌های تحصیلی‌شان زبان و ادبیات فارسی است. زبان فارسی هم در واقع دروازه‌ای است به سمت فرهنگ غنی اسلامی و میراث کهنی که ما داریم».

۵-۱-۶. ظرفیت‌های آموزش مجازی

گذشته از برخی محدودیت‌های آموزش مجازی همچون فقدان رابطه نزدیک و رودررو (که البته با توجه به برخی آسیب‌های محیطی، چندان هم نکته منفی‌ای به حساب نمی‌آید)، باید اذعان کرد این حوزه واجد محاسن بسیاری است. نکته اول غیرحضور بودن آموزش است. بنا بر گفته برخی از مصاحبه‌شوندگان، گاه افراد به خاطر محدودیت‌های سیاسی یا سایر ملاحظات امکان حضور در کشور را ندارند و آموزش مجازی به مثابه جایگزینی قابل اعتنا می‌تواند ایشان را یاری کند. نتیجه طبیعی این امر می‌تواند افزایش تنوع و تعدد دانش‌جویان شرکت‌کننده در دوره‌ها باشد. از دیگر مزیت‌های آموزش مجازی کاهش هزینه‌ها و نیاز نداشتن به هماهنگی‌های خاص برون‌مرزی است. ضمن آنکه آموزش مجازی می‌تواند بستر مناسبی برای درآمدزایی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی باشد.

۶-۱-۶. ظرفیت‌های دانش‌آموختگان

دانش‌آموختگان به‌واقع یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های هر مجموعه آموزشی‌اند. افرادی از کشورها و فرهنگ‌های مختلف که می‌توان با برنامه‌ریزی و شبکه‌سازی از قابلیت‌ها و توانایی‌های ایشان بهره‌مند شد. این نکته به‌ویژه در رابطه با آن دسته از افرادی که واجد قرابت‌های فکری و فرهنگی بیشتری با کشور میزبان هستند، اهمیت ویژه‌ای دارد. به نظر می‌رسد در حال حاضر عموم افرادی که برای تحصیل به کشور می‌آیند نیز از همین طیف باشند. این امر حداقل در رابطه با داوطلبان آموزش‌های حوزوی واضح است. از سوی دیگر همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، اغلب ایشان زبان فارسی را آموخته‌اند. به نظر می‌رسد با توجه به این نکات و طبیعتاً

در صورتی که آسیب‌هایی حین تحصیل متوجه ایشان نباشد، پس از بازگشت به کشورهايشان می‌توانند در زمینه‌های گوناگون در ارائه تصویری مثبت از کشور مؤثر باشند.

۲-۶. چالش‌های آموزش بین‌المللی

۱-۲-۶. چالش‌های ساختاری - فرایندی

یکی از مهم‌ترین چالش‌های مطرح که در مصاحبه‌ها نیز با عناوین مختلف بدان اشاره شد و مضامین زیادی را به خود اختصاص داد، چیزی است که می‌توان از آن با عنوان چالش‌های ساختاری - فرایندی تعبیر کرد. مورد نخست، طولانی شدن فرایند تحصیل در برخی مراکز آموزشی است. این امر به‌ویژه در مورد آموزش‌های حوزوی بیشتر موضوعیت دارد. چالش دیگر که با چالش پیشین نیز بی‌ارتباط نیست، ماندگار شدن بخشی از دانش‌آموختگان در کشور و عدم بازگشت آن‌ها به کشورشان است. مورد دیگر وابستگی قابل توجه عمده‌مراکز آموزشی به بودجه دولتی است. این نکته به‌ویژه در رابطه با برخی مراکز آموزشی که از داوطلبان هزینه‌ای دریافت نمی‌کنند و رویکرد انتفاعی ندارند، از اهمیت بسیاری برخوردار است، چراکه در چنین شرایطی گزینش دقیق داوطلبان ضرورت می‌یابد.

۲-۲-۶. چالش‌های محیطی

گاه یک رفتار نادرست یا رویکردی اشتباه می‌تواند تمامی هزینه‌ها، برنامه‌ها و تلاش‌هایی را که برای شکل‌گیری تصویری مثبت و ایجاد پیوند میان مخاطب و کشور مقصد صورت گرفته است، بر هم زند. البته به نظر می‌رسد این امر تا حدی ریشه در فرهنگ عمومی دارد، اما درون مراکز آموزشی نیز باید فرهنگ سازمانی متناسب با مخاطبی که برخاسته از فرهنگ دیگری است، وجود داشته باشد. مواجهه نادرست با مخاطب که گاه می‌تواند از روی فقدان آگاهی و گاه به علت نگاه بالا به پایین و غیرمحترمانه باشد، از جمله این موارد است. این امر در ابعاد وسیع‌تر نیز در رابطه با حضور و تعامل فرد در محیط خارج از مجموعه نیز می‌تواند صادق باشد. بنا بر آنچه در برخی مصاحبه‌ها بدان اشاره شد، برخی مجموعه‌های آموزشی کشور که

در فضای برون‌مرزی فعالیت می‌کنند نیز با چالش‌هایی مواجه‌اند که می‌توان آن‌ها را نیز ذیل این مفهوم دسته‌بندی کرد. چالش‌هایی که به نظر می‌رسد برای مراکز آموزشی که رویکردهای مذهبی در آن‌ها پررنگ‌تر است، موضوعیت بیشتری داشته باشد. چالش‌هایی مانند حساسیت‌های جامعه میزبان نسبت به فعالیت‌های مجموعه آموزشی از جمله این موارد است.

۳-۲-۶. چالش‌های نیروی انسانی

نیروی انسانی از اصلی‌ترین ارکان هر مجموعه و سازمانی است. به بیان دیگر نیروی انسانی کارآمد و ماهر می‌تواند پیشران هر سازمان به سمت اهداف معین آن باشد. یکی از مواردی که در مصاحبه‌ها بدان اشاره شد، چالش‌های مرتبط با نیروی انسانی است. کمبود اساتید مسلط به زبان‌های بین‌المللی و مدیران باتجربه و آشنا با زبان و فرهنگ کشور مقصد در شعب برون‌مرزی مراکز آموزشی از مهم‌ترین موارد مطرح‌شده است. یکی از موارد دیگری که در مصاحبه‌ها از آن صحبت شد، مشکل تعامل و در واقع توان‌مندی برقراری ارتباط با افرادی از کشوری دیگر با فرهنگ، زبان و دین متفاوت بود. به نظر می‌رسد این امر واجد دو جنبه باشد. جنبه نخست به توان‌مندی و مهارت برمی‌گردد؛ یعنی فرد با فرهنگ مخاطب آشنایی کافی ندارد. جنبه دوم به‌نوعی روحیه برمی‌گردد که می‌توان آن را روحیه محلی در مقابل روحیه بین‌المللی نامید. یعنی فقدان رویکرد بین‌المللی در مواجهه با افرادی از فرهنگ و ملیت دیگر.

۴-۲-۶. تبلیغات منفی

یکی از چالش‌های مهمی که باید آن را با عنوانی جداگانه در نظر بگیریم، وجود تبلیغات منفی است. این مسئله طبیعتاً فرایند آموزش بین‌المللی را از مرحله نخست آن دچار مشکل می‌کند. در ابتدای امر که باید جذب و پذیرش فرد آغاز شود، وی با مجموعه‌ای از القائات و تصویرسازی‌های بعضاً نادرست مواجه می‌شود که تصمیم وی را برای تحصیل تحت تأثیر قرار می‌دهد. این تبلیغات عموماً دو جنبه دارد یا مشتمل بر انگاره‌های ایران‌هراسانه است و یا ناظر به اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی است. گفتنی است که نمی‌توان از سهم برخی رویکردها و

اظهارنظرها در قوت یافتن و تشدید چنین آسیب‌هایی صرف‌نظر کرد. اگرچه به نظر می‌رسد این‌گونه فضاسازی‌ها در هر صورت کم‌وبیش وجود خواهد داشت، اما ضروری است مراقبت‌های لازم در اتخاذ رویکردها و اظهارنظرها صورت بگیرد.

۷. نتیجه‌گیری

با اتمام فرایند تحلیل مضمون و به‌دست‌آمدن ده مضمون سازمان‌دهنده و دو مضمون فراگیر، اکنون می‌توان سراغ پرسش‌های پژوهش رفت و به بیان نکاتی دربارهٔ فرصت‌ها و چالش‌های آموزش بین‌المللی در چهارچوب دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران پرداخت.

در پاسخ به پرسش فرعی اول که در رابطه با جایگاه آموزش بین‌المللی در دیپلماسی فرهنگی مطرح شد، شاید بهتر باشد نخست دریافتی واضح‌تر از مفهوم دیپلماسی فرهنگی داشته باشیم و سپس به پرسش مذکور بپردازیم. به طور خلاصه می‌توان گفت دیپلماسی عمومی منقسم بر دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی رسانه‌ای است. به بیان دیگر دیپلماسی عمومی یا رویکردی نخبگانی دارد که ناظر به دیپلماسی فرهنگی تعریف می‌شود یا رویکردی همگانی داشته و با مفهوم دیپلماسی رسانه‌ای قابل تطبیق است. یکی از راهبردهای اصلی در دیپلماسی عمومی نخبگانی یا همان دیپلماسی فرهنگی نیز راهبرد آموزشی است که طبعاً آموزش بین‌المللی در اینجا قابل طرح است. ابزارهای این راهبرد نیز عبارت‌اند از پذیرش اساتید و دانشجویان خارجی، آموزش زبان و برنامه‌های تبادل آموزشی که در بررسی و مراجعه به تجربهٔ سایر کشورها نیز آثار مثبت و سازندهٔ اتخاذ این راهبرد به‌روشنی قابل درک است.

پرسش فرعی دوم ناظر به جایگاه آموزش بین‌المللی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بود. برای این منظور به بررسی قوانین و اسناد بالادستی و نهادهای فعال این حوزه پرداخته شد. در زمینهٔ قوانین و اسناد بالادستی نیز به اشارات برنامه ششم توسعه و سیاست‌های کلی ابلاغی آن، سند اصول سیاست فرهنگی کشور، نقشهٔ جامع علمی کشور، سند جامع روابط علمی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران و سند دانشگاه اسلامی در این رابطه پرداخته شد. مهم‌ترین و برجسته‌ترین مضامین در این اسناد عبارت‌اند از: بهره‌گیری حداکثری

از روش‌ها و ابزارهای دیپلماسی نوین و عمومی، ایجاد واحدها و شعب آموزش عالی در داخل کشور با مشارکت دانشگاه‌های معتبر بین‌المللی و داخلی به منظور ارتقای علمی و تعاملات بین‌المللی، آموزش و ترویج زبان فارسی، تبادل استاد و دانشجو و اجرای دوره‌های آموزشی مشترک در رشته‌های اولویت‌دار، توسعه سازوکار جذب، اقامت و بهره‌گیری ضابطه‌مند از ظرفیت و توان دانشمندان، پژوهشگران، فناوران و دانشجویان خارجی به‌ویژه ایرانیان مقیم خارج از کشور، ایجاد سازوکار مناسب و هدفمند برای ارتباط مستمر با دانش‌آموختگان خارجی پس از فراغت از تحصیل. گفتنی است از این میان تنها سند جامع روابط علمی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران و سند دانشگاه اسلامی علاوه بر ذکر کلیات و اهداف کلان به راهبردها و اقدامات مرتبط نیز اشاره دارند. در ادامه و در رابطه با نهادهای فعال کشور در حوزه آموزش بین‌المللی به سه مجموعه آموزشی جامعة المصطفی (علیه السلام) العالمية، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی و دانشگاه بین‌المللی اهل‌بیت (علیهم السلام) برای نمونه اشاره شد.

پرسش اصلی پژوهش نیز در رابطه با فرصت‌ها و چالش‌های آموزش بین‌المللی مطرح شد. بنا بر آنچه از مصاحبه با اساتید و کارشناسان حاصل شد، فرصت‌های آموزش بین‌المللی عبارت‌اند از زمینه‌سازی ارتباطات میان‌فرهنگی، ظرفیت‌های اقتصادی و سیاسی، ظرفیت‌های مرتبط با مخاطبان خاص، آموزش و ترویج زبان فارسی، ظرفیت‌های آموزش مجازی و ظرفیت‌های دانش‌آموختگان. چالش‌های این حوزه نیز عبارت‌اند از چالش‌های ساختاری - فرایندی، چالش‌های محیطی، چالش‌های نیروی انسانی و تبلیغات منفی. به باور نویسندگان آگاهی از این دسته‌بندی و توجه بدان می‌تواند در تنظیم سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های این حوزه نقش مفیدی ایفا کند و امیدوارند که این امر زمینه‌ساز توسعه و بهبود این حوزه و عملکرد نهادهای ذی‌ربط شود.

فهرست منابع

- آشنا، حسام‌الدین؛ جعفری هفت‌خوانی، نادر (۱۳۸۶). «دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی؛ پیوندها و اهداف». *دوفصلنامه علمی دانش سیاسی*، سال سوم، شماره ۱، پیاپی ۵، بهار و تابستان ۱۳۸۶، صص ۲۰۵-۱۷۹.
- اشتریان، کیومرث؛ جعفری هفت‌خوانی، نادر (۱۳۸۶). «تصمیم‌گیری در سیاست خارجی و نقش دیپلماسی عمومی در فرایند تصمیم‌سازی». *اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)*، سال اول، شماره ۱، بهار ۱۳۸۶، صص ۱۴۰-۱۱۱.
- برزویی، محمدرضا (۱۳۹۴). «ظرفیت‌شناسی رویکردهای فکری - فرهنگی آموزه مهدویت پس از انقلاب در تحقق تمدن اسلامی». *رساله دکتری فرهنگ و ارتباطات*، دانشگاه باقرالعلوم (ع).
- بشیر، حسن؛ میرفخرائی، سید محمدحسین (۱۳۹۶). «فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در پنج کشور عربی خلیج فارس». *فصلنامه مطالعات میان‌فرهنگی*، سال دوازدهم، شماره ۳۳، زمستان ۱۳۹۶، صص ۱۶۴-۱۳۵.
- خانی، محمدحسن (۱۳۸۴). «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها». *دانش سیاسی*، سال اول، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، صص ۱۴۸-۱۳۵.
- خسروی، محمدعلی؛ جباری ثانی، عباسعلی (۱۳۹۰). «ظرفیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی عمومی». *فصلنامه مطالعات سیاسی*، سال سوم، شماره ۱۱، بهار ۱۳۹۰، صص ۱۱۶-۸۳.
- خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۹۴). «تحلیل مبانی نظری و اهداف بین‌المللی شدن آموزش عالی». *آموزش عالی ایران*، سال هفتم، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۴، صص ۶۰-۲۷.
- خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۹۵). *آموزش عالی بین‌المللی: استراتژی‌ها و شرایط امکان*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- درخشه، جلال؛ غفاری، مصطفی (۱۳۹۰). «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام فرصت‌ها، اقدامات، اولویت‌ها و دستاوردها». *فصلنامه مطالعات فرهنگ و ارتباطات*، سال دوازدهم، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۹۰ (پیاپی ۴۸)، صص ۴۵-۹.
- دهشیری، محمدرضا؛ طاهری، مهدی (۱۳۹۵). «نقش و جایگاه آموزش عالی در دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده آمریکا: با تأکید بر عملکرد آن در قبال ایران»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، سال

- دوازدهم، شماره ۳۶، صص ۹۸-۶۱.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳). *دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، چاپ اول. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- سند اصول سیاست فرهنگی کشور (۱۳۷۱).
- سند جامع روابط علمی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۷).
- سند دانشگاه اسلامی (۱۳۹۲).
- سند نقشه جامع علمی کشور (۱۳۹۰).
- سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه (۱۳۹۴).
- صادقی، محمدمسعود (۱۳۹۰). *وضعیت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، ۴. آسیب‌شناسی دستگاه‌های دولتی متولی گسترش زبان فارسی در خارج از کشور. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- صالحی امیری، رضا؛ محمدی، سعید (۱۳۸۹). *دیپلماسی فرهنگی*. تهران: ققنوس.
- قانون برنامه ششم توسعه (۱۳۹۶).
- کلهر، سینا؛ صادقی، محمدمسعود (۱۳۸۹). *بررسی وضعیت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، ۱. دستگاه‌ها و نهادهای فعال. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- نایت، جین (۱۳۹۵). *بین‌المللی شدن آموزش عالی: مفاهیم، رویکردها و سیاست‌ها*، ترجمه لیلا فلاحتی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- هادیان، ناصر؛ احدی، افسانه (۱۳۸۸). «جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال اول، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۸، صص ۱۱۷-۸۵.
- هادیان، ناصر؛ سعیدی، روح‌الامین (۱۳۹۲). «از دیپلماسی عمومی سنتی تا دیپلماسی عمومی نوین: رویکردی هابرماسی»، *فصلنامه علمی راهبرد*، سال بیست‌ودوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲ (پیاپی ۶۸)، صص ۶۱-۳۳.

Altbach, P.G. (1998). *Comparative Higher Education: Knowledge, the University, and Development*. Hong Kong: Comparative Education Research Centre, The University of Hong Kong, Hong Kong.

Arum, S., & Van de Water, J. (1992). "The Need for a Definition of International Education in

- US Universities”. In C. B. Klasek (Ed.), *Bridges to the Future: Strategies for Internationalizing Higher Education* (pp. 191-203). Association of International Education Administrators.
- Green, M., Luu, D., & Burris, D. (2008). *Mapping Internationalization on U.S. Campuses: 2008 Edition*. American Council of Education.
- Kamminga, Jorrit (2013). *Public Diplomacy in Afghanistan Beyond the 2014*. Netherlands Institute of International Relations ‘Clingendael’.
- Kim, H. (2017). “Bridging the theoretical gap between public diplomacy and cultural diplomacy”. *The Korean Journal of International Studies*, 15 (2), pp. 293-326.
- King, N. and Horrocks, C. (2010). *Interviews in qualitative research*. Sage, London.
- Levin, B. (2001). “Conceptualizing the process of education reform from an international perspective”. *Education Policy Analysis Archives*. 9 (14), pp. 1-12.
- Maringe, F., & Woodfield, S (2013). “Contemporary issues on the internationalisation of higher education: critical and comparative perspectives”. *Compare: A Journal of Comparative and International Education*, 43 (1), pp. 1-8.
- Nye, J. (2004). “Soft power and higher education”. In *Forum for the Future of Higher Education* (Archives), pp. 11-14.
- Nye, Joseph S., Jr. (2005). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*. Public Affairs Books.
- Nye Jr, J. S. (2008). “Public diplomacy and soft power”. *The annals of the American academy of political and social science*, 616 (1), pp. 94-109.
- Stearns, P. N. (2009). *Educating global citizens in colleges and universities: Challenges and opportunities*. New York, NY: Routledge.
- Teichler, U. (2004). “The Changing Debate on Internationalisation of Higher Education”. *Higher Education*, 48, pp. 5-26.
- Van der Wende, Marjik (1997). “Missing links: The relationship between national policies for internationalization and those for higher education in general”. In T. Kalvemark & M. van den Wende (eds.). *National Policies for the Internationalization of Higher Education in Europe*. Stockholm: National Agency for Higher Education.
- www.abu.ac.ir
www.ikiu.ac.ir
www.miu.ac.ir